مدیوم فراموش شده
اما غنی تله تئاتر پیشینه‌ای طولانی دارد

از یاد رفته

مازیار معاونی
منتقد سینما

این ادعا که درصد قابل توجهی از مخاطبین نه‌چندان پرتعداد سال‌های اخیر تلویزیون با گونه‌ای به نام تله تئاتر (تئاتر تلویزیونی) ناآشنا باشند و خاطره و پیشینه ذهنی از این مدیوم خاص نمایشی نداشته باشند، ادعای گزافی نیست. به هر حال وقتی از تولید آخرین آثار متعلق به این گونه نمایشی، زمانی نزدیک به بیست سال گذشته و حتی بازپخش آثار قدیمی و تکراری آن هم از بیش از یک دهه پیش متوقف شده، بدیهی است که این گونه خاص و البته قابل احترام نمایشی در ذهن مخاطبین قدیمی تلویزیون کمرنگ شده و در حافظه بینندگان نسل‌های جدید سابقه و پیشینه‌ای نداشته باشد.

نگاهی به تاریخچه ساخت تله‌تئاتر نشان می‌دهد این مدیوم از همان سال‌های آغازین راه‌اندازی تلویزیون ملی و حتی پیش‌تر در سال‌های فعالیت تلویزیون خصوصی «ثابت‌پاسال» (۱۳۴۵-۱۳۳۶) در دستور کار بوده و چهره‌های قدیمی حوزه تئاتر همزمان با رونق تلویزیون، به کار تنظیم متن‌های درخشان نمایشی جهان و آماده‌سازی آن برای اجرا مطابق استانداردهای تلویزیونی روی آورده بودند و قدمت این گونه فرهیخته‌تر نمایشی که همیشه مخاطبان خاص و با مطالعه‌تر خود را داشته، حتی بیشتر از سریال‌های اولیه تاریخ تلویزیون است که در راستای روند جذب مخاطب و سرگرمی‌سازی، با مضامینی سطحی و عامه‌پسند تولید می‌شده‌اند. تله‌تئاترهایی نظیر «اسب سیرک/۱۳۳۹» به کارگردانی جعفر والی، «جعفرخان از فرنگ برگشته/۱۳۴۴»، «لولو سر خرمن/۱۳۴۵» و «رعد در خیابان/۱۳۴۵» هر سه به کارگردانی علی نصیریان، «گاو/۱۳۴۴» با هدایت عزت‌الله انتظامی و بسیاری از آثار دیگر که بر اساس متن‌های نمایشی ایرانی و فرنگی جلوی دوربین رفتند و متأسفانه به دلیل پخش زنده و عدم ضبط تعدادی از آنها و اختلالات سیستم آرشیو تلویزیون، چه از منظر فنی و طریقه نگهداری و چه به لحاظ التهابات دوران انقلاب که آسیب به بخشی از منابع آرشیوی را موجب شد، بسیاری از این منابع ارزشمند آرشیوی دیگر در دسترس علاقه‌مندان آثار نمایشی نیستند. اما مدیوم تله‌تئاتر در دوران پس از انقلاب هم شروع و استمرار خوبی داشت و از همان سال‌های ابتدایی دهه شصت تا اواسط دهه هشتاد، بسیاری از متون نمایشی قابل تأمل ایرانی و خارجی با همکاری تلویزیون و کارگردانانی از نسل‌های مختلف هنر تئاتر ساخته و از قاب این رسانه پخش شدند؛ آثاری که هم در دوران کم‌بضاعتی تلویزیون به لحاظ شرایط دشوار جنگی به دادآنتن این رسانه رسیدند و با هزینه‌های کم تولید (در قیاس با سریال‌های تلویزیونی که ساخت‌شان در فضاهای باز و لوکیشن‌های متعدد خارجی، بودجه و امکانات فراوانی می‌طلبد) کنداکتور محدود آن بازه زمانی را سرپا نگه داشتند، هم به جهت تصویر فضاهایی متفاوت با اتمسفر غالب جامعه متأثر از وضعیت جنگ، در دور نگه داشتن مخاطبین از اضطراب حتی برای زمانی محدود مؤثر بودند و شاید از همه اینها مهم‌تر در ارتقای سطح فرهنگی جامعه و تشویق مخاطبین رسانه پربیننده تلویزیون به مطالعه گونه ادبی ارزشمند نمایشنامه و نیز افزایش انگیزه برای آشنایی با هنر مهجور تئاتر کارآمد بودند. تله‌تئاترهایی همچون «سوزنبانان/ ۱۳۶۳» به کارگردانی داریوش مؤدبیان، «بازرس وارد می‌شود/۱۳۶۹» به کارگردانی رضا بابک و «تله موش/۱۳۷۶» ساخته حسن فتحی از جمله آثار درخشان و ماندگار این دوره زمانی بیست‌وپنج ساله بودند که رد ماندگاری از خود بر حافظه نمایشی بینندگان سال‌های دورتر تلویزیون گذاشته‌اند.

> پخش تله‌تئاتر می‌تواند جایگزین بسیار مؤثری برای خانواده‌ها باشد که با کمترین هزینه ممکن، بیشترین استفاده فرهنگی، نمایشی و سرگرمی را ببرند

اما جریان خوب و مستمر تولید تله تئاتر از اواخر دهه هفتاد خورشیدی دچار کندی و اختلالاتی شد که بی‌تردید مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان ناشی از تصمیم نسنجیده مدیران وقت تلویزیون برای انتقال تولید و پخش این گونه نمایشی از خانه اصلی آن، یعنی شبکه دوم تلویزیون به شبکه تازه تأسیس‌تر چهار دانست. در آن مقطع زمانی استدلال مدیران وقت تلویزیون این بود که با توجه به مأموریت شبکه چهار برای پوشش دادن مخاطبین فرهیخته‌تر تلویزیون، می‌بایست ساخت و پخش گونه فرهیخته‌تر و خاص‌تر تله‌تئاتر به این شبکه محول شود؛ تصمیمی اشتباه که به‌مثابه قطع اتصال یک فرزند از دامان مادر خود و فرا رسیدن روزهایی بد و تلخ برای این گونه ارزشمند نمایشی بود؛ روزهایی که البته به تدریج از راه رسیدند به شکلی که ظرف کمتر از ۱۰ سال، نه‌تنها تولید تله‌تئاتر در تلویزیون به کلی متوقف که چند سال بعد حتی بازپخش تله‌تئاترهای قدیمی هم از دستور کار خارج شد تا تله‌تئاتر کم‌کم به دست فراموشی سپرده شود. البته بجز مقوله انتقال نسنجیده به شبکه دیگر، مقولاتی همچون تولید انبوه فیلم‌های تلویزیونی (تله‌فیلم) و تغییر فرمول پخش سریال‌ها از هفتگی به هر شب که واکنشی کمّی به آغاز پخش سریال‌های دوبله شده از شبکه‌های فارسی‌زبان آن سوی آبی محسوب می‌شد، همه و همه سبب شدند بودجه و امکانات تلویزیون آنچنان به کار گرفته شود که تولید تله‌تئاتر به عنوان یک گونه نمایشی با مخاطب محدود، به کل از اولویت تلویزیون خارج شود.

استمرار توقف تولید و پخش تله‌تئاتر از تلویزیون که متأسفانه هیچ افق روشنی هم برای پایان دادن به آن مشاهده نمی‌شود، تبعاتی چندگانه خواهد داشت؛ از یک سو آن انگیزه و نیروی مشوقی که این گونه نمایشی به بینندگان به‌خصوص قشر جوان برای آشنایی با هنر تئاتر، تماشای آثار صحنه‌ای و مطالعه متون نمایشی تزریق می‌کرد، به کل از دست رفته است؛ امکانی که در نگاهی فراگیرتر، ارتقای سطح فرهنگ و بینش عمومی میلیون‌ها بیننده تلویزیونی را هم به دنبال داشت. از سوی دیگر امکان دعوت از بازیگران خوب ولی گمنام عرصه تئاتر صحنه‌ای به قاب تصویری تلویزیون نیز در شرایط کنونی فراهم نیست؛ دریچه‌ای که در گذشته، معرفی چهره‌های مطرح به عرصه سریال‌های تلویزیونی و سینمایی (و البته در معیار امروزی شبکه نمایش خانگی) را سرعت می‌بخشید. از اینها گذشته، در شرایط سخت اقتصادی امروز کشور که تهیه بلیت گران تئاتر و هزینه‌های ایاب و ذهاب تا سالن‌های نمایش به سادگی برای همه اقشار جامعه فراهم نیست، ساخت و پخش تله‌تئاتر می‌تواند جایگزین بسیار مؤثری برای خانواده‌ها باشد که با کمترین هزینه ممکن، بیشترین استفاده فرهنگی، نمایشی و سرگرمی را ببرند، گزینه‌ای که به قول سیاسیون، ظاهراً روی میز نیست و قرار هم نیست به این زودی‌ها روی میز بیاید، افسوس.

گزارش

گزارشی از دومین ورکشاپ نقاشی تهران طی ۴۵ سال گذشته

ژانر پرتره کهنه‌شدنی نیست

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

یکی از استادان بنام نقاشی ایران در حالی که فیگور نقاشی کشیدن را با گرفتن پالت مجسم می‌کند روی صندلی در بالای سکو نشسته است، ۴ استاد دیگر بوم‌های نقاشی‌های‌شان را درست روبه‌روی او کاشته‌اند تا در فرصتی ۴ ساعته از او پرتره بکشند. این یک تصویر کوتاه از مستر کلاس و ورکشاپ نقاشی به نام «رودررو» در گالری کاما بود، ورکشاپی که ۵ نفر از اساتید پرتره ایران احمد وکیلی، علی ندایی، جمشید حقیقت‌شناس، مهناز پسیخانی و علی بیگی‌پرست در آن حضور داشتند و در حضور علاقه‌مندان پرتره یکدیگر را نقاشی کردند.

روند کار در این ورکشاپ به این صورت بود که هر هنرمند در این پنج روز یک روز سوژه بقیه هنرمندان شد که از جذابیت‌های این اتفاق در پایان هر جلسه ۴ اثر خلق شد و از پرتره یا فیگور سوژه مورد نظر با تکنیک‌های خاص خود که هر یک ازاساتید تکنیک‌های متفاوتی داشتند در این ورکشاپ هنرجوها چند تکنیک را همزمان دیدند و با عوض شدن مدل‌ها تکنیک‌های متفاوت اساتید را هم یاد گرفتند.

«علی ندایی» یکی از اساتید نقاشی که در این ورکشاپ حضور داشت به خبرنگار «ایران» گفت: «اساتید و شاگردان در عالم هنر در کلاس جهانی همه خوب نقاشی می‌کنند و نقاشی را خوب شروع می‌کنند اما آیا همه خوب تمام می‌کنند؟ نه یکی کارش خوب می‌شود یکی نه.»

او این ورکشاپ را فرصتی دانست تا هنرجوها از ابتدا شاهد تولد یک اثر باشند و ببینند هر استاد کارش را چطور شروع کرده و با چه ابزاری پیاده می‌کند و از همه مهم‌تر کار را چطور تمام و به سرانجام می‌رساند. اتفاقی که در دانشگاه انجام نمی‌شود و فقط کار تمام شده مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

«ندایی» ادامه می‌دهد «مسئولیت ما به عنوان استاد در این ورکشاپ این است که شاگردان را ترغیب کنیم تا از نقاشی کشیدن خوششان بیاید و همین خوش آمدن و دچار شدن برای ما کافی است. در این ورکشاپ به دنبال ثابت کردن خودمان نیستیم بلکه ورکشاپ در تمام دنیا حالت نمایشی دارد تا روی مخاطب اثر بگذارد. در ایران روی موضوع ورکشاپ‌های این‌چنینی کم کار شده و ما بعد از انقلاب فقط یک ورکشاپ رودررو را داشتیم چون نقاش آبرویش را برای این کار دستش می‌گیرد.»

این استاد نقاشی، آموزش غیرمستقیم را بهترین روش برای آموزش بیان و اظهار کرد: «من از سال ۵۶ تا الان کار طراحی می‌کنم. ۱۰ سال است به این نتیجه رسیده‌ام که در کلاس به شاگردانم کار یاد بدهم تا شاگردانم را دچار طراحی کنم. این پروژه مخاطب را دچار می‌کند و من در این ورکشاپ از شاگردانم خواستم فقط به دست اساتید نگاه کنند و کار دیگری نکنند.»

احمد وکیلی یکی دیگر از اساتید نقاشی که در این ورکشاپ حضور داشت به جذابیت‌های این برنامه آموزشی اشاره کرد و گفت: «من تا به حال در ورکشاپ‌هایی که شبیه این برنامه بوده شرکت کرده‌ام ولی به این شکل که خودمان هم مدل شویم و از یکدیگر کار بکشیم نبوده است و چنین تجربه‌ای را تا به حال نداشته‌ام.»

او درباره نکات آموزشی این ورکشاپ متفاوت در زمینه نقاشی و پرتره گفت: «این جزو بهترین کلاس‌های آموزشی برای نقاشی محسوب می‌شد به شرط اینکه تمام بحث‌هایش درست انجام می‌گرفت؛ مثل این موارد شرکت‌کنندگان دانشجوی هنر بودند با اعتقاد به اینکه ژانر پرتره ژانر مهمی است که دیدهای نقاشان مختلف نسبت به هستی‌شناسی کار خودشان چطوری است و کارها را هماهنگ دربیاورند تا بدون امضا کارشان شناخته شود.»

به اعتقاد وکیلی این ورکشاپ اگر از طریق یک دانشگاه برگزار می‌شد و ثبت‌نامش اصولی صورت می‌گرفت و بیننده بیشتری داشت، تأثیرگذارتر بود. اگر در این ورکشاپ کسی حواسش جمع بود ساختار زیبایی‌شناسانه کار نقاشان را متوجه می‌شد؛ مثل اینکه چه کسی به پرتره توجه جدی دارد و چه کسی شخصیت‌سازی کرده، شباهت برایش مهم نبوده، به کل کار توجه کرده، چه کسی انتزاعی کار کرده و اگر یک سخنرانی در انتهای کار بود تا نقاشان دیدگاه شان را بیان کنند و ورکشاپ مستند می‌شد تأثیرگذاری بیشتری داشت.

این استاد نقاشی درباره تأثیر آموزش غیرمستقیم در این ورکشاپ گفت: «اینها همه بستگی به هنرجو دارد. شما باید بدانید هنرجو فاعل است، خودش باید نظر خاصی داشته باشد که چند نفر نقاش با جهان‌بینی خاص دارند کار می‌کنند و او این را در انتهای کار استاد می‌بیند.»

وکیلی درباره آموزش ژانر پرتره در ایران گفت: «نقاشی در ایران پیشرفت کرده و ژانر پرتره هم یکی از مسائل خیلی مهم است که هنرمندان باید به آن توجه کنند؛ ژانری که اصلاً کهنه نشده است و دانشجویان باید به مباحث آموزشی این ژانر توجه جدی داشته باشند.»

> احمد وکیلی: نقاشی در ایران پیشرفت کرده و ژانر پرتره هم یکی از مسائل خیلی مهم است که هنرمندان باید به آن توجه کنند؛ ژانری که اصلاً کهنه نشده است و دانشجویان باید به مباحث آموزشی این ژانر توجه جدی داشته باشند

ورکشاپ در گالری
تمرینی برای نهادسازی در متن هنر

حسین محسنی
دبیر انجمن نگارخانه‌دارها

نقش گالری‌ها در جهان امروز دیگر به نمایش و فروش آثار محدود نیست. گالری، اگر بخواهد در قامت نهادی مؤثر در زیست‌بوم هنر ظاهر شود، باید سازوکارهایی برای تولید دانایی، تربیت مخاطب و گسترش زیست هنری بیافریند. در این میان، برگزاری ورکشاپ‌های تخصصی نه برنامه‌ای جانبی، که بخشی از مأموریت هویتی گالری معاصر است. ورکشاپ، در ساده‌ترین معنا، تمرین یادگیری است؛ اما در بستر گالری، تبدیل به فضایی می‌شود برای انتقال تجربه، بازتعریف نسبت مخاطب و هنر و خلق گفت‌وگو. این تجربه، در گالری‌های پیشرو جهانی تثبیت شده: از Tate Modern که با «Tate Exchange» گالری را به آزمایشگاهی اجتماعی بدل کرده، تا MoMA که با دوره‌های آموزشی‌اش میان آموزش و تجربه زیسته پلی فعال ساخته است. در گالری‌های خصوصی نیز نمونه‌های روشنی چون Gagosian و Zwirner نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از دل یک ورکشاپ، مخاطب را از تماشاچی به مشارکت‌کننده ارتقا داد.

در فضای ایران، این مدل می‌تواند پاسخی به چند بحران هم‌زمان باشد: نبود آموزش پیوسته، گسست میان نسل‌ها و غیبت نهادهای تولید دانش بومی در هنر معاصر. گالری‌هایی که به شکل‌گیری جریان‌های یادگیری متعهد می‌شوند، عملاً در حال سرمایه‌گذاری بلندمدت بر مخاطب، بر ذائقه و بر آینده نهاد هنرند.

در زمانه‌ای که بسیاری تنها به بقا می‌اندیشند، ورکشاپ می‌تواند یکی از دقیق‌ترین اشکال کنش فرهنگی باشد؛ تلاشی آرام اما ماندگار برای ماندن در متن تحولات، نه در حاشیه بازار.

تنوع در فعالیت‌های گالری با ورکشاپ‌ها

مونا خوش‌اقبال
مدیر گالری کاما

در سال‌های اخیر نقش گالری‌ها در فضای فرهنگی کشور از صرف نمایش آثار هنری فراتر رفته و به بستری برای گفت‌وگو، آموزش و تعامل با مخاطب تبدیل شده است. برگزاری ورکشاپ‌های هنری نه تنها پاسخی به نیاز روز جامعه هنری است، بلکه ضرورتی برای پویایی و ماندگاری گالری‌ها در زیست‌بوم فرهنگی معاصر محسوب می‌شود. ورکشاپ‌های هنری فرصتی فراهم می‌آورند تا مخاطبان با روند خلق اثر آشنا شده و از حالت تماشاگر صرف خارج شوند. این تجربه، پیوند عمیق‌تری میان هنرمند و مخاطب ایجاد کرده و فهم عمومی از هنر را تقویت می‌کند.

همچنین، ورکشاپ‌ها بستر مناسبی برای کشف استعدادهای نو و حمایت از نسل جدید هنرمندان فراهم می‌سازند. از سوی دیگر، این برنامه‌ها موجب تنوع در فعالیت‌های گالری، افزایش بازدید عمومی و تعامل مستمر با جامعه می‌شوند؛ عاملی که در حفظ و گسترش مخاطب، خصوصاً در میان دوستداران هنر نقشی کلیدی دارد. در فضای فرهنگی امروز که مخاطب به دنبال تجربه مشارکتی و درک مفاهیم خلاق است، گالری‌ها با برگزاری ورکشاپ‌های هنری می‌توانند پاسخی مؤثر به این نیاز بدهند. همچنین برگزاری مستمر چنین رویدادهایی، گامی مؤثر در جهت تقویت اقتصاد هنر، ترویج فرهنگ گفت‌وگو و ایفای نقش فعال‌تر گالری‌ها در ترویج هنر معاصر است. در شرایطی که هنوز هم بسیاری از مخاطبان با هنر معاصر احساس بیگانگی می‌کنند، ورکشاپ‌ها ابزاری برای ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، تشویق به گفت‌وگو و کاهش فاصله میان هنر و جامعه هستند.

در نهایت، گالری‌هایی که نقش تعاملی خود را جدی می‌گیرند، نه‌تنها در ارتقای فرهنگ هنری جامعه مؤثرند، بلکه خود را به عنوان نهادهایی پویا، پیشرو و مرتبط با نیازهای زمانه معرفی می‌کنند. در این میان، ورکشاپ‌های هنری یکی از راهکارهای کلیدی برای تحقق این رویکرد آینده‌نگر هستند.

خبر

اولین جلسه شورای سیاست‌گذاری جشنواره موسیقی فجر برگزار شد

تأکید معاون هنری بر حضور پررنگ بانوان در جشنواره چهل‌ویکم

نخستین نشست شورای سیاست‌گذاری چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر با حضور نادره رضایی معاون امورهنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و اسحاق شکری مدیرعامل انجمن موسیقی ایران در محل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

در این نشست مینا افتاده، ستاره بهشتی، بهزاد عبدی، شهرام صارمی، نصیر حیدریان، حجت فرجیان و ملینا مزارعی اعضای شورای سیاست‌گذاری این دوره از جشنواره نیز حضور داشتند.

نادره رضایی دراین خصوص گفت: «اعضای این شورا با تمام دغدغه‌مندی خود برای ایران، به منظور برپایی هرچه بهتر چهل‌ویکمین جشنواره فجر فعالیت می‌کنند. جشنواره موسیقی فجر دستاوردهای زیادی داشته است؛ هرچند در همراه‌کردن هنرمندان در این حوزه دشواری‌هایی وجود دارد و آنچه طی شده با ملاحظات و گلایه‌هایی همراه است که درعین اینکه چالش‌های پیش رو بسیار است و ممکن است آنچنان که ضرورت داشته در گذشته در این زمینه در مقاطعی تعاملات به خوبی شکل نگرفته و خیلی موفق عمل نکرده‌ایم، اما دستاوردها و داشته‌های چشم‌گیر و پررنگی در این حوزه به دست آمده است.»

او در خصوص اهمیت توجه به نسل نو و بهره‌گیری از ظرفیت زنان تأکید کرد: «امیدواریم حضور پررنگ‌تر زنان در چهل‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر، یک حضور نمادین و اسمی نباشد بلکه به‌عنوان نیمی از سرمایه فکری، هنری و تجربی جامعه، در این جشنواره مؤثرتر از گذشته نقش‌آفرین باشند. حضور زنان و نسل نو در این حوزه مهم است. بازنگری در برگزاری جشنواره و استفاده از ظرفیت‌های نو و نسل جوان می‌تواند خروجی متفاوتی ایجاد کند و منجر به برگزاری یک جشنواره متنوع‌تر، بانشاط‌تر و خلاقانه‌تر شود.»

رضایی با اشاره به وقایع اخیر کشور اظهار کرد: «آنچه که در ۱۲روز جنگ تحمیلی گذشت، توانست انسجام و وحدت ایران را بیشتر کند و باید قدردان آن باشیم. این جشنواره، باید متناسب با فضای جامعه و ضرورت امروز ایران، جشنواره‌ای با تم ایران و همبستگی تکثرپذیر باشد و ضروری‌ست بستری ایجاد کنیم که موجب تقویت روحیه همبستگی و تاب‌آوری ملی در کنار جشن انقلابی فجر شود.»

رضایی با تأکید بر آموزش و پرورش هنری نیز افزود: «باید از ظرفیت هنرستان‌ها در جشنواره موسیقی فجر استفاده شود. سال گذشته نیز حضور وزیر در جشنواره، برای اجرای هنرستان‌ها بود تا باعث ایجاد انگیزه در آنها شود. باید این نگاه تداوم داشته باشد و برای آن برنامه‌ریزی شود.»

معاون هنری افزود: «در چهل‌ویکمین جشنواره موسیقی فجر باید جریان‌سازی شود. هیچ‌چیزی به اندازه هنر نمی‌تواند صدای رسایی باشد برای روایت آنچه در جنگ ۱۲روزه اتفاق افتاد. بایستی با کمک هنر، روایت آنچه اتفاق افتاده را به نمایش گذاشت و با ساخت و تکمیل روایت، با روایت‌های دروغینی که قلب واقعیت می‌کنند مقابله کرد. تلاش کنیم با روندی مطلوب در جشنواره، جریان‌سازی شود و هنر به میان مردم برود و قسمت جامعه‌محور آن برجسته شود.»

بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی ویژگی بزرگ این دوره از جشنواره موسیقی فجر را حضور گسترده‌تر بانوان عنوان کرد و گفت: «هم در تشکیل شورای سیاست‌گذاری و هم در برنامه‌ریزی‌های آتی برای جشنواره و سیاست‌گذاری‌های اجرایی تلاش شده نگاه ویژه‌ای به بانوان داشته باشیم. حضور ویژه بانوان در چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، یک مطالبه جدی است که توسط بانوان جامعه مطرح شده و وظیفه و مسئولیت ماست که این درخواست و مطالبه محقق شود و ایده‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های جدیدی که در این راستا و مسیر قابلیت اجرایی دارند مطرح و بررسی شوند.»